



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

و الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی سیدنا و نبینا ابی القاسم المصطفی محمد و علی اله الأطیبین الأطهرین المنتجبین الهداة المهديین المعصومین سیما بقیة الله فی الأرضین.
السلام عليك يا فاطمة يا بنت موسى بن جعفر آيتها المعصومة سلام الله عليك و علی ابائک الطیبین الطاهرین المعصومین.

خیلی خوشوقتم از اینکه امروز این توفیق را پیدا کردم که در جمع شما طلاب و فضلاء عزیز غیر ایرانی، همچنان در کنار مدرسان و اساتید و مدیران این مجموعه، این دقایق باارزش را داشته باشم. طلاب و فضلاء غیر ایرانی بدانند که آنها در ایران اسلامی غریبه نیستند. شما حتی مهمان هم نیستید، شما صاحبخانه‌اید. شما فرزندان عزیز من هستید. ما مقدم این پروانه‌های عاشق را که به شوق فراگیری معارف اسلام ناب به این دیار سفر کرده‌اند، گرامی میداریم. ما وظیفه‌ی خودمان میدانیم که شما عزیزان را در حد توان خودمان، از آنچه که از معارف اسلام ناب و معارف اهل بیت (علیهم السلام) در اختیار ماست، برخوردار کنیم.

اولین درسی که انقلاب اسلامی و نظام مبارک جمهوری اسلامی به ما داد، این بود که ما نگاهمان را از حصار و چهاردیواری ملت ایران منعطف کنیم به عرصه‌ی وسیع امت اسلامی. امام بزرگوار ما به ما تعلیم کرد که نگاه ما باید به ساحت عظیم امت باشد. درست است که کشور ایران در دوران طاغوت در زیر فشار استبداد و استعمار به جان آمده بود و له میشد و باید نجات داده میشد، اما فشار اساسی و تهاجم اساسی، تهاجم تاریخی به امت اسلام بود. امت بزرگ اسلامی که در یکی از حساس‌ترین نقاط جغرافیائی عالم استقرار داشته است، بر اثر دخالت قدرتهای بزرگ، طمع‌ورزی دولتهای بزرگ و مقتدر، تجاوز و تعدی استکبار در طول چند قرن، دچار ضعف، انکسار، عقب ماندگی، استعمار زدگی، فقر - هم فقر مادی، هم فقر علمی - شده بود. انقلاب اسلامی نگاهش به دنیای اسلام بود؛ نگاهش به برداشتن دست ظالم و متجاوز استکبار از روی سر امت اسلامی و از زندگی امت اسلامی بود. لذا وقتی انقلاب در ایران پیروز شد، ملتهای مسلمان در شرق و غرب عالم احساس کردند که در زندگی آنها نسیم تازه‌ای وزید، هوا عوض شد؛ احساس کردند گشایشی در کارهاشان پیدا شد؛ لذا در آفریقا، در آسیا، در همه‌ی مناطقی که مسلمانها زندگی میکردند، مسلمانان احساس کردند که با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی، راه تازه‌ای در مقابل آنها گشوده شد. این را ما از امام آموختیم و این خط روشن نظام جمهوری اسلامی از آغاز تا امروز بوده است.

بخشی از کار بزرگ، همین کاری است که شما دارید انجام میدهید. شما از نزدیک به صد کشور در اینجا جمع شده‌اید تا با معارف اسلام ناب نجاتبخش آشنا شوید. هدف این نیست که ما انقلاب را به شکل متعارف در عرف سیاسی و قاموس سیاسی به این کشور و آن کشور صادر کنیم؛ انقلاب چیزی نیست که با ابزارهای سیاسی بشود آن را صادر کرد یا با ابزارهای نظامی و امنیتی بشود آن را پیش برد؛ این غلط است؛ ما از اول، این راه را بستیم.

مسئله‌ی جمهوری اسلامی، مسئله‌ی بازتولید معارف والای اسلامی است، تا مسلمانها احساس هویت کنند، احساس شخصیت اسلامی کنند، با تعالیم اسلام که نجاتبخش بشریت است، آشنا شوند؛ بدانند این معنایش چیست که خداوند متعال میفرماید: پیغمبر را فرستادیم «و یضع عنهم اصرهم و الأغلال الّتی کانت علیهم»؛ (1) این غلها و زنجیرهایی که در محیط شرک آلود به پای انسانها بسته است و اسلام میخواهد اینها را بگشاید، چیست؟ امت اسلامی بر اثر غفلت، مدتهای طولانی این حقایق را از یاد برده بود. امت اسلامی میتواند آزاد باشد، پیشرفته باشد، عالم باشد، عزیز باشد، مقتدر باشد؛ اینها به برکت تعالیم اسلامی به دست آمدنی است. استکبار و دستگاه‌های استعماری در طول دو بیست سال سعی کردند این مفاهیم را از یاد مسلمانها ببرند؛ آنها را از هویت خودشان غافل کنند تا بتوانند دست



www.leader.ir

تجاوز را به محیط سیاسی آنها، به محیط اقتصادی آنها، به فرهنگ بومی آنها دراز کنند و تطاول کنند. انقلاب اینها را به یاد امت اسلامی آورد.

شما امروز این فرصت بزرگ را در جمهوری اسلامی، در عاصمه‌ی علمی قم، در جامعه‌ی مبارک «المصطفی» دارید که با این معارف آشنا شوید؛ «لینفقوها فی الدین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم»؛ (2) خود شما بتوانید نورافکنی شوید که فضا را روشن میکند. امروز دنیای اسلام به این نیاز دارد.

البته شما در اینجا در غربت زندگی میکنید. اگرچه اینجا خانه‌ی شماست، اما از اهل خود، خویشان خود، خانواده‌ی خود دورید. سختی‌هایی دارید، مشکلاتی دارید؛ خودتان، همسرانتان، خانواده‌هاتان مشکلاتی دارند؛ اما ایستادگی کنید. خداوند متعال در اول بعثت پیغمبر چند خط اساسی را جلوی پای رسول گرامی خود گذاشت که با توجه به این چند خط و چند جهتگیری مهم، پیغمبر اکرم بتواند این بار سنگین بی‌نظیر را تحمل کند. یکی از این خطوط، صبر بود؛ «و لربک فاصبر». «بسم الله الرحمن الرحیم. یا ایها المدثر. قم فأنذر. و ربک فکبر. و ثیابک فطهر. و الرجز فاهجر. و لاتمنن تستکثر. و لربک فاصبر». (3) خداوند متعال خط صبر را جلوی پیغمبر گذاشت. باید صبر کرد. صبر یعنی پایداری، یعنی خسته نشدن، یعنی مغلوب مشکلات نشدن. مشکلات گوناگون بر سر راه همه‌ی ما هست؛ باید مغلوب نشویم. این درس را هم امام بزرگوار ما در عمل به ما تعلیم کرد؛ صبر کرد. آن روزی که در این شهر قم فریاد امام بلند شد، جز جمع طلبه‌ای در پیرامون او، کسی یاور او نبود؛ غریب بود. امام در وطن خود غریب بود، در شهر خود غریب بود؛ اما ایستادگی کرد. انواع و اقسام فشارها - فشارهای مادی و معنوی - بر آن مرد بزرگ وارد آمد، اما ایستاد - «المؤمن کالجبل الراسخ لا تحرکه العواصف» - هیچکدام از این تندبادها نتوانست آن اراده‌ی پولادین، آن عزم راسخ را تکان دهد؛ ایستاد. وقتی در قله چشمه‌ای میجوشد، دامنه‌ها هم سیراب میشوند. صبر او از او سرریز شد، دیگران هم صبر کردن را یاد گرفتند؛ لذا دیگران هم صبر کردند. ملت بزرگ ایران هم با این صبر توانست بر این همه توطئه فائق بیاید.

شما میدانید از اول پیروزی جمهوری اسلامی ایران تا امروز چقدر توطئه، چقدر خنجرهای پنهانی زهرآلود علیه این ملت، علیه این نظام به کار گرفته شده است؟ یک قلم توطئه علیه ما، یک جنگ هشت ساله بود. هشت سال علیه ما جنگ را تحمیل کردند. یک قلم توطئه بر ضد جمهوری اسلامی، تحریم سی ساله است. امروز سر و صدا و جنجال تحریم را بلند میکنند. تحریم مال امروز نیست؛ جمهوری اسلامی سی سال است که تحریم اقتصادی است. صبر این ملت، ایستادگی این ملت، بر همه‌ی این خبائثتها، عداوتها و کارشکنی‌ها فائق آمد. امروز به توفیق الهی، یاذن الله تعالی، جمهوری اسلامی در قله‌ی اقتدار سیاسی و امنیتی خود قرار دارد.

صبر را، ایستادگی و پایداری را فراموش نکنید؛ این یک قلم مهم در برنامه‌ی زندگی هر انسانی است که دارای هدف والاست. شماها ذخیره‌های اسلامید، شماها سرمایه‌ی عظیمی برای اسلامید. اینجا خوب فرا بگیرید؛ در فضای انقلاب و نظام جمهوری اسلامی خوب تنفس کنید و به امید خدا در زمان لازم در میان ملت خودتان برگردید و با ابزار علم، با سلاح حلم و اخلاق و تواضع و مهر و محبت به مردم، این حقایق را منتقل کنید.

هدف حضور شما در اینجا، هدف سیاسی نیست؛ هدف علمی است، هدف تربیتی است؛ بسیار شفاف و روشن. علم همه جا خریدار دارد. سخن نیک و معرفت روشن همه جا خریدار دارد. امام علی بن موسی الرضا (علیه الصلوة و السلام) به یکی از یاران خود فرمود: «رحم الله عبدا احیا امرنا»؛ رحمت خدا بر آن کسی که امر ما را، مطلب ما را زنده کند. این راوی میگوید: «فقلت له کیف یحیی امرکم»؛ چه جوری میشود که امر شما، مطلب شما، موضوع مورد اهتمام شما زنده شود؟ «قال یتعلم علومنا و یتعلمها الناس»؛ علوم ما را فرا بگیرند، معارف اهل بیت را فرا بگیرند، آن را به مردم، به دل‌های مشتاق، به ذهن‌های جستجوگر منتقل کنند. «فان الناس لو علموا محاسن کلامنا لاتبعونا». (4) برای گسترش معارف اهل بیت هیچ لازم نیست شما به این در و آن در بزنید؛ هیچ نیازی ندارد به بد اخلاقی کردن و متعرض این و آن شدن؛ همین اندازه کافی است که معارف اهل بیت را درست فرا بگیریم، آن را به دیگران منتقل کنیم. این معارف توحیدی، این معارف انسان‌شناسی، این معارف فراگیر نسبت به مسائل زندگی بشر، خود جذاب است، دل‌ها را جذب میکند، آنها را دنبال راه ائمه به راه می‌اندازد. اینجا یک فرصت بزرگی است برای شما. از ملیتهای



مختلف، از کشورهای مختلف در اینجا جمع شده‌اید. هر يك از شما این فرصت را دارد که با برادران مسلمان خود و فرهنگهای بومی آنها در این محیط آشنا شود.

شما از قاره‌ی اروپا با شرق آسیا در اینجا میتوانید ارتباط برقرار کنید. شما از آفریقا با کشورهای خاورمیانه میتوانید ارتباط برقرار کنید. گلچینهای ملتها در اینجا جمع شده‌اند. با یکدیگر آشنا شوید، یکدیگر را بشناسید. فرهنگهای یکدیگر را، آرزوهای یکدیگر را، اهداف بلندی را که میتوان در برادران ملتهای گوناگون سراغ گرفت، اینها را از یکدیگر یاد بگیرید؛ مسلمان يك جامعیتی پیدا میکند. این خیلی فرصت بزرگی است برای شما؛ این فرصت در جای دیگری پیش نمی‌آید. يك هسته‌ی بین‌المللی علمی اسلامی در اینجا تشکیل شده است. با نشستن شماها در کنار هم، تنفس شماها در فضای واحد، آشنائی شما با یکدیگر، يك هسته‌ی اولیه‌ی جامعه‌ی بین‌المللی علمی اسلامی در اینجا تشکیل میشود؛ از این فرصت حداکثر استفاده را بکنید.

شما جوانید. بزرگترین سرمایه‌ی جوان، دل پاک و نورانی اوست. عزیزان من! از این دل نورانی استفاده کنید. رابطه‌تان را با خدای متعال مستحکم کنید. اگر جوان که آمادگی دارد، بتواند با خشوع، با ذکر، با تضرع، با توسل، دل خود را با خدای متعال آشنا کند، همان چیزی خواهد شد که مصداق «نور علی نور» است؛ نور معرفت الهی به دلها شما خواهد تابید. از گناه دوری کردن، با خدا انس گرفتن، نماز را مغتنم شمردن، جزو کارهای مهم است. یکی از بزرگترین نعمتهای خدا نماز است. نماز به ما این فرصت را میدهد که هر روزی چند بار ناگزیر با خدای خودمان حرف بزنیم، با خدای متعال مخاطب کنیم، از او کمک بخواهیم، به او عرض نیاز کنیم، سرسپردگی خودمان به ساحت ربوبی را با این تضرع و با این نیاز تقویت کنیم. بزرگان به نماز خیلی اهمیت میدادند. نماز در اختیار همه است. غالباً قدر نماز و اهمیت نماز را نمیدانیم. فقط این نیست که باید يك اسقاط تکلیفی کرد؛ نه، يك فرصت بزرگی است که باید از آن استفاده کرد. فرمود نماز مثل چشمه‌ی آبی است در خانه‌ی شما، که روزی پنج بار شما در این چشمه‌ی آب شستشو میکنید. این شستشو میتواند برای دلهای جوان آثار ماندگاری داشته باشد. با طهارت و تقواست که میتوان سخن نافذ و تأثیرگذار را از خدای متعال هدیه گرفت.

يك علت اینکه امام بزرگوار ما يك کلمه‌اش در این فضای عظیم عمومی کشور، در شدت و محنت، در همه‌ی حالات اثر شگفت‌آوری میگذاشت، معنویت او بود، صفای باطن او بود، ارتباط و اتصال او به خدا بود، اشکهای نیمه شب او بود. فرزند امام - مرحوم حاج سید احمد - همان وقت در زمان حیات امام به من گفت: نیمه شب که امام بلند میشود، از بس گریه میکند، این دستمالهای معمولی برای پاک کردن اشکش کفاف نمیدهد؛ مجبور است اشک چشمش را با حوله پاک کند؛ اینقدر اشک میریزد. آن مرد پولادین، آن مردی که حوادث و لطماتی به سمت او سرازیر میشد که يك ملت را تکان میداد و او را تکان نمیداد، آن مردی که عظمت و هیمنه‌ی قدرتهای جهانی در نظر او هیچ و پوچ بود، آن مرد در مقابل عظمت الهی، در حال دعا و استغاثه، آنجور اشک میریخت. اینها خیلی قیمت دارد. این فرصتها را قدر بدانید.

من بار دیگر عرض میکنم امروز خرسند شدم که با شما عزیزان ملاقات کردم. باید صمیمانه تشکر کنم از جناب آقای اعرافی و مسئولین «جامعة المصطفی» و دست‌اندرکاران مختلف و مدرسین و همه‌ی کسانی که در این حرکت عظیم نقش ایفاء کردند. ان شاء الله خداوند همه‌ی آنها را، همه‌ی شما را، همه‌ی کسانی را که در این راه کمکی کرده‌اند، مشمول لطف و عنایت خود بفرماید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

1) اعراف: 157

2) توبه: 122

3) مدثر: 1 - 7

4) بحارالانوار، ج 2، ص 30